

پیشگفتار

بدون شك ادبیات پدیده‌ای است پویا و بازتاب‌دهنده واقعه‌ها و جریان‌های جامعه بشری، زیرا همان‌گونه که تصویر مناظر دلکش و زیبا، یا زشت و ناموزون محیط اطراف ما، در آینه صافی منعکس و متجلی می‌گردد، بازتاب ویژگی‌های زبانی و بیانی، چگونگی ساختار، و عروج، یا نزول آنها و در مجموع سایر دستاوردهای مادی و معنوی جوامع و کشورهای مختلف را در پرتو ادبیات ایشان می‌توان جستجو و ارزیابی کرد، به طوری که تجسم و نماد تصاویر در آینه‌های شفاف و مبرا از نقایص و نارسایی فیزیکی خیلی طبیعی، زیبا و به مراتب نزدیک به واقعیت است. همین‌گونه ادبیات عالی و عاری از عیوب که با ارزش‌های علمی و معیارهای هنری آراسته و دارای رسالت و پیام باشد، در تصویر و تحلیل دقیق از واقعه‌های محیط و سمتهای جامعه به مسیر سالم رشد و اعتلای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی توفیق بیشتری دارد و مقبول خاطر واقع می‌شود.

با نظر داشت نقش و سهم مؤثری که ادبیات و بخشهای گوناگون آن در امر انکشاف و ارتقای رشد فکری جوامع و ملل جهان دارد، معرفی هویت ادبی، شناسایی سیماهای برازنده و درخشان و نگارش تاریخهای ادبیات مورد توجه نهادهای علمی و پژوهشی جامعه ملی و بین‌المللی قرار دارد.

انستیتوت زبان و ادب دری مرکز زبانها و ادبیات اکادمی علوم افغانستان به تاسی از همین اصل، نگارش تاریخ ادبیات چهار سده اخیر کشور هنر خیز و ادب پرور ما را که تا اکنون توجه اساسی و قابل ملاحظه‌ای به آن صورت نگرفته، از وظایف اساسی و پلانهای دورنمایی خود به شمار آورده، اقداماتی را در دست

گرفته است. چنان که تهیه فهرست واره‌ای از منابع و سرچشمه‌های مربوط به ادبیات این سده‌ها و اكمال پروژه‌های علمی-تحقیقی، سیری در ادبیات سده سیزدهم، (قاری و بیتاب) دو ملک الشعراى هم‌روزگار، غلام‌محمدخان طرزی، بررسی احوال و آثار عبدالعلی مستغنی، محمد انور بسمل، مولانا خسته، استاد خلیل‌الله خلیلی، محمد ابراهیم خلیل و غیره که تعدادی از آنها اقبال چاپ یافته و مابقی هم در شرف طبع و نشر قرار دارند، می‌تواند از اقدامات عملی و گامهای آغازین در این مسیر محسوب شود. درتداوم این مساعی که زمینه‌های باروری و زیربنای مساعد نگارش تاریخ ادبیات برهه زمانی مورد نظر را در درازمدت تشکیل می‌دهند، تحقیق درباره زیستنامه، تألیفات، تحلیل محتوایی، شکلی و هنری یک تن از برازندگان عرصه شعر و ادب سده یازدهم هجری کشور، زیر عنوان «ناظم هروی سخن پرداز معروف سده یازدهم هجری» از طرف انستیتوت زبان و ادب دری مرکز زبانها و ادبیات تصویب و انجام آن بر عهده نگارنده گذاشته شد.

به جرئت و بی تردید، می‌توان گفت: ملا فرخ حسین ناظم، یکی از درخشان‌ترین چهره‌های عرصه فرهنگی سده یازدهم هجری هرات باستان است، که نه تنها در امر پاسداری از سنن پسندیده و رشد شعر و ادب، بلکه در پرداخت مضامین اخلاقی، اجتماعی، عرفانی و تصوفی سده مذکور نقش محوری و بنیادی ایفا نموده و کارکردهای فرهنگی-ادبی وی به مجموعه دانشهای ادبی این دوره گره خورده و پیوند عمیق دارند. بنابراین، تصویب، تفویض و انجام این پروژه علمی-تحقیقی هم از لحاظ دستیابی به آن اهدافی که فراروی ما قرار دارند و هم از جهت دین این سخن پرداز عارف به گردن جامعه فرهنگی اولویت تردیدناپذیر دارد.

پس از در گذشت ناظم تذکره‌نویسانی چون: غلام‌علی آزاد بلگرامی در *مآثر الکرام* موسوم به سرو آزاد، میرزا محمدطاهر نصرآبادی در *تذکره نصرآبادی*، مولوی محمد مظفر حسین صبا در *تذکره روز روشن*، مولانا محمد عبدالغنی خان غنی در *تذکره الشعرا*، محمد افضل سرخوش در *کلمات الشعرا*، امیر شیر علیخان لودی در *مرآت الخیال* و برخی تاریخهای ادبیات نیز از ناظم هروی در چند سطر کوتاه و فشرده یاد کرده و به ذکر دو سه بیت نمونه کلام شاعر بسنده نموده‌اند.

بعضی هم نوشته‌اند، که وی داستان یوسف و زلیخا را به پیروی از مولانا جامی در قالب مثنوی به سلک نظم کشیده است و بس.

حرفها و گفته‌های نویسندگان و مؤلفان پیشین در باره ناظم تقریباً همه یکنواخت با هم مشابه و تکرار مکررات است که به هیچ وجه معرف ابعاد مختلف شخصیت و سروده‌های شاعر نبوده و حق مطلب، چنان که باید ادا نشده است.

چند مقاله‌ای، که درباره ناظم در مجله‌های *آریانا*، دوره ۲۵، سال ۱۳۴۶ و مجله *آینده*، دوره‌های ۱۶ و ۱۷، سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به چاپ رسیده، به هیچ وجه جوابگوی نیازمندیهای پژوهشگران و علاقه‌مندان سخن او نیست.

آخرین و وسیع‌ترین پژوهشی که تاکنون در زمینه زیستنامه، آثار و آفریده‌ها، نسخ خطی قدیم اشعار و ناظم هروی صورت گرفته، تلاشهای محمد قهرمان جامع و مصحح مجموعه اشعار اوست که خود در این زمینه چنین می‌گوید: در حدود بیست و پنج سال پیش دوست فاضل من آقای نجیب مایل هروی که در دانشکده ادبیات مشهد به تحصیل اشتغال داشت، عکسی از نسخه خطی دیوان ناظم هروی را که در کتابخانه دانشکده مضبوط بود، درخواست کردند تا با نسخه موزه کابل به مقابله در آورند و به طبع آن پردازند. چون سالها گذشت و از چاپ کتاب خبری نشد، به فکر افتادم که لااقل دست‌نویسی از دیوان مزبور برای خود ترتیب دهم.

در سال ۱۳۷۰ آقای مایل هروی اظهار داشتند که چون زمینه مطالعات و تحقیقاتشان جهت دیگری یافته است از چاپ دیوان ملاناظم منصرف شده‌اند، آن‌گاه دست‌نویسی را که از نسخه دانشکده فراهم آورده و با عکس نسخه موزه کابل مقابله کرده بودند، با گشاده‌دستی در اختیار بنده گذاشتند... چون افتادگیهای نسخه آستان قدس در بخش غزلیات، تا اندازه زیادی به کمک این دست‌نویس کامل می‌شد، بار دیگر به کار برخاستم. اضافات نسخه آستانه را از سواد به بیاض بردم و غزلهای به دست آمده از نسخه کابل را بر آن افزودم. از سوی دیگر، در همین سال مقام معظم رهبری چون استحضار یافتند که بنده به تصحیح دیوان ناظم مشغولم، مرحمت را به نهایت رساندند و نسخه‌ای از دیوان شاعر را، که از سالها پیش در تملک داشتند به این جانب بخشیدند... در سال ۷۱ آقای عباس رستاخیز، شاعر

افغانی مقیم مشهد که از قصد بنده برای چاپ دیوان ناظم آگاه شده و نسخه آستان قدس را هم دیده بودند در تکمیل چند قصیده ناقص شاعر کوشیدند و دست نویس فراهم آورده را در اختیار من قرار دادند.^۱

ولی با وجود گردآوری مجموعه شعری ناظم از چهار نسخه خطی فوق، در بخش زیستنامه، تحلیل محتوایی، شکلی و هنری سروده‌ها، به ویژه اوضاع اجتماعی این دوره، تأثیر کارهای انجام یافته در موارد فوق کمرنگ و غیر محسوس است. بنا بر آنچه گفته آمد، پروژه علمی-تحقیقی «ناظم هروی سخن پرداز معروف سده یازدهم هق» در نوع خود می‌تواند، اقدامی به شمار آید، که به گونه مستقل و تحلیلی ابعاد و جوانب مختلف شرح حال و سروده‌های شاعر را بررسی و تحلیل کرده است.

نگارنده با وجود قلت منابع موثق و یکدست و با توکل به عنایات الهی تحت رهنماییهای خردمندانه سر محقق استاد حسین فرمند کار نگارش پروژه موصوف را، به پایه اکمال رسانیدم.

این اثر پژوهشی حاوی یک مقدمه و پنج فصل است مشتمل بر:

فصل اول: در این فصل زیستنامه و تألیفات شاعر به بحث و بررسی گرفته شده و زندگینامه و آفریده‌های وی مفصل مورد تفحص و تجسس قرار گرفته است.

فصل دوم: شامل تحلیل و بررسی وضع سیاسی-اجتماعی هرات است در آن هنگام که مرکز خراسان بود و حکمرانانی چون: حسن خان و عباسقلی خان بیگلریگی آن را، اداره می‌کردند. این فصل در مجموع وضعیت سیاسی-اجتماعی بعضی از سلاطین دوره اخیر صفوی را در بردارد.

فصل سوم: تحلیل محتوایی سروده‌های ناظم است، که موضوعات و مسائل گوناگون از قبیل تعلیمات اخلاقی و اجتماعی، بازتاب اندیشه‌های عرفانی و تصوفی، جلوه‌های آزادگی و وارستگی و شکواییه‌های ناظم در آنها بازتاب یافته‌اند.

فصل چهارم: تحلیل شکلی سروده‌های شاعر از نظر قوالب شعری، سبک و روش سخن با ویژگیهای زبان به بحث و بررسی گرفته شده است.

۱. ناظم هروی، دیوان ناظم هروی، ۱۳۷۴، ص هفت و هشت.

فصل پنجم: تحلیل بعد هنری پرداخته‌های ناظم را مانند مرتبه فصاحت و بلاغت، کاربرد آرایشهای بدیعی، معماگویی و استخراج ماده تاریخ در شعر، به حساب جمل دربر دارد، که پس از ارایه نتیجه و پیشنهادهای مشخص فهرست مآخذ انجام می‌پذیرد.

در تکمیل و انجام این اثر از راهنماییهای سودمند و دایمانه سر محقق استاد حسین فرمند، اظهار سپاس و امتنان می‌نمایم، همچنان از محترم صباح الدین «شرفمل» مدیر بخش کمپیوتر، محترمه لیدا جان «جاهد» و دانشمند گرانقدر رئیس نشرات اکادمی علوم افغانستان که در قسمت تایپ و کمپیوتر رساله مرا کمک کرده‌اند، تشکر می‌کنم.

گفتنی است که این پژوهش در زمینه ابعاد مختلف شخصیت علمی-ادبی و تحلیل کلیه اشعار ناظم هرروی به هیچ وجه کامل نبوده و بدون کاستی نیست، امیدوارم اهل نظر نارساییهای آن را بیان کنند و نگارنده را یاری رسانند تا با رفع و طرد آنها گوشه‌ای از تاریخ ادبیات کشور در روشنی قرار گرفته و پاره‌ای از نیازمندیهای علاقه‌مندان موضوع بر آورده شود.